

# "یک پیشخدمت لایق"

مترجم :

Zeinab

کاری از تیم :

Flaxen Guys

ویراستار :

F\_S\_S12

کلینر :

Mika Nozen

Akane

تایپیست :

Edward



@Flaxen\_Guys



@Flaxen\_Guys



@FlaxenGuys

اووه

اووه

اووه

اووه!



پیداون کردن!

بدوین!

هرمقدر نگران تر  
باشی، سرعتت کمتر  
می شه.

یه لحظه وایسا،  
کامل شد.



هآ؟ این  
رله چیست؟ چه اتفاقی  
داره میفته؟

هیچ گنجی  
تو دنیا نیست که من  
نتونم بدزدم.



یه زرد؟  
من که زرد  
نیستم!

امکان  
نداره!

گکان

گکان



من باید  
بیدار شم!

تکاپ

تکاپ

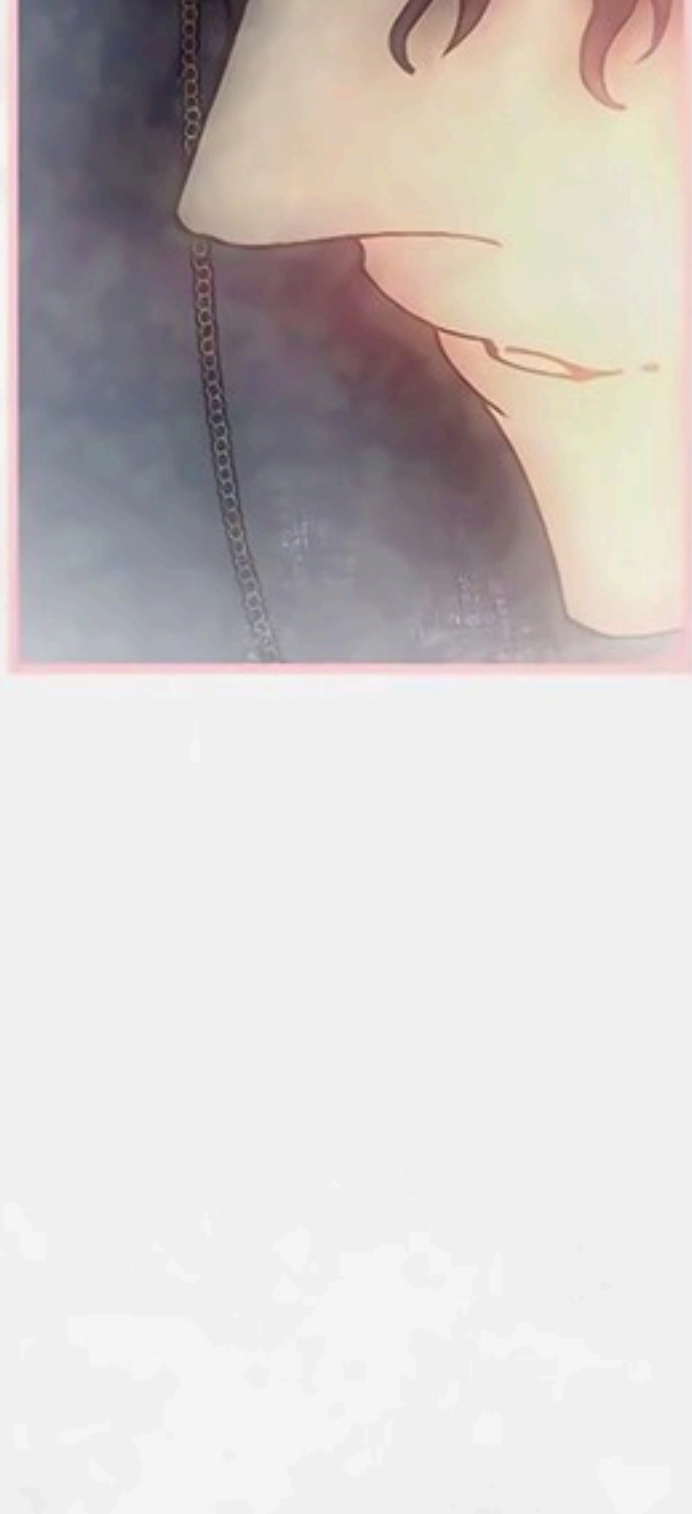
تکاپ

لهم. این  
گاوصندوق خیلی  
خوب ساخته  
شده.



اینجا روبین!  
پلیس خیلی زود  
می رسه!

چلیک



این آخر  
کاره! همه مون  
قراره دستگیر  
بشیم!



ننه!

پهرا انقدر  
سرو صدا می کنی؟  
می دونیم که می کار  
باید بکنیم، نه؟



لطفاً بیدار  
شو!



چه توی  
زمین،

چه تو آسمون،  
ناپدید می بشیم.

با

به عن اعتماد  
کن.

ایست!!

۷۷۷۷

من نمرخ خواهم  
زرد باشم!!

يك پيشخدمت لايق

# نمرخ شیرین

طراح: sanho نویسنده: yuin

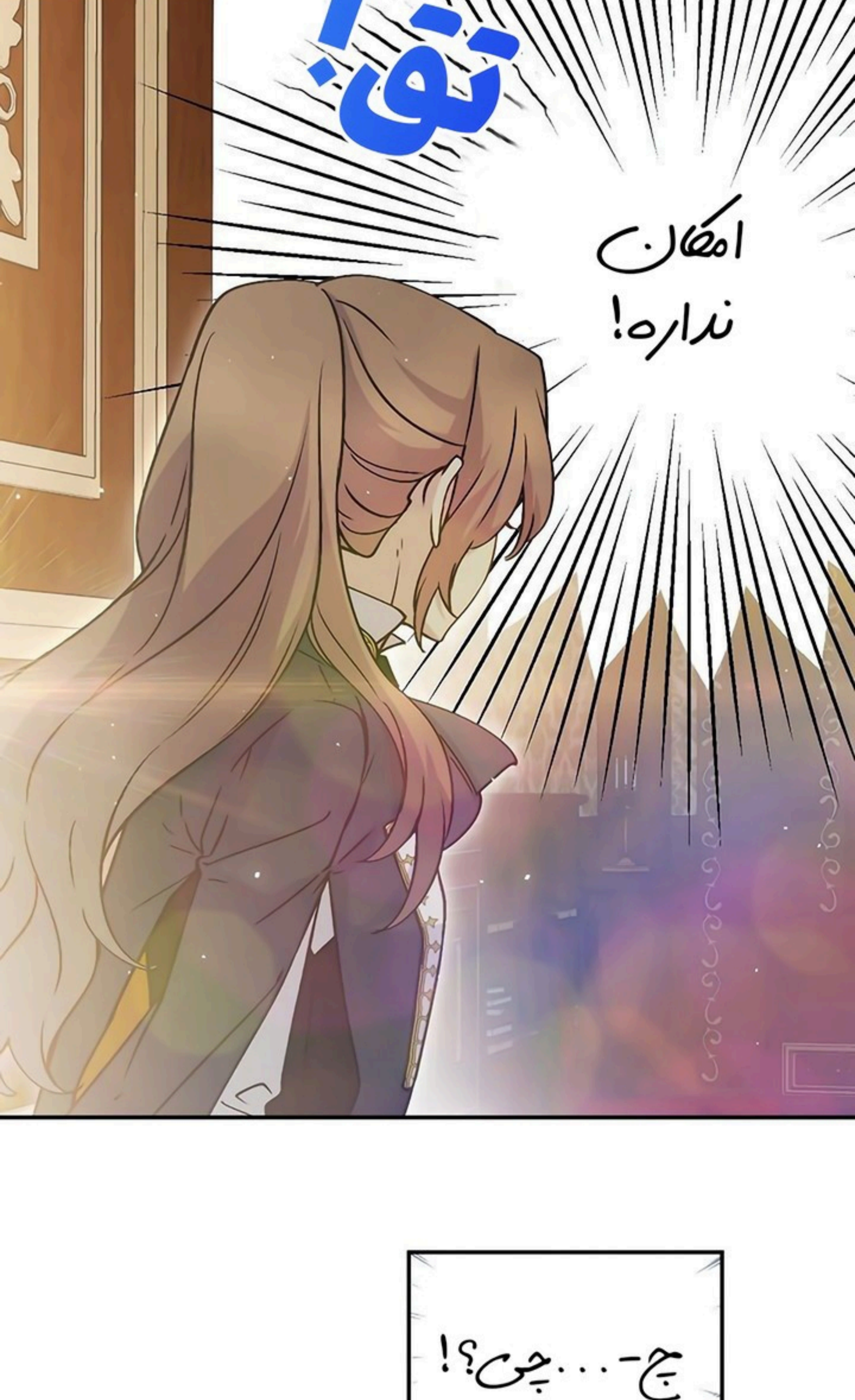
نه، امکان نداره من  
ایچ کورو بنیم. اولن زنگه  
چه جور خوابیج بود؟ اصلاً با  
عقل جور در نیما.

من کیم  
که به ولعصد خدمت  
میکنم.

حق قدره  
اینکه یلین مثل من  
زردی کنه...

تا الان از خوابیم  
استفاده می‌کردیم... ولی  
دلیل نمی‌شه هر خوابیج  
ریمو عملی کنیم که

امکان نداره  
زردی کنیم!

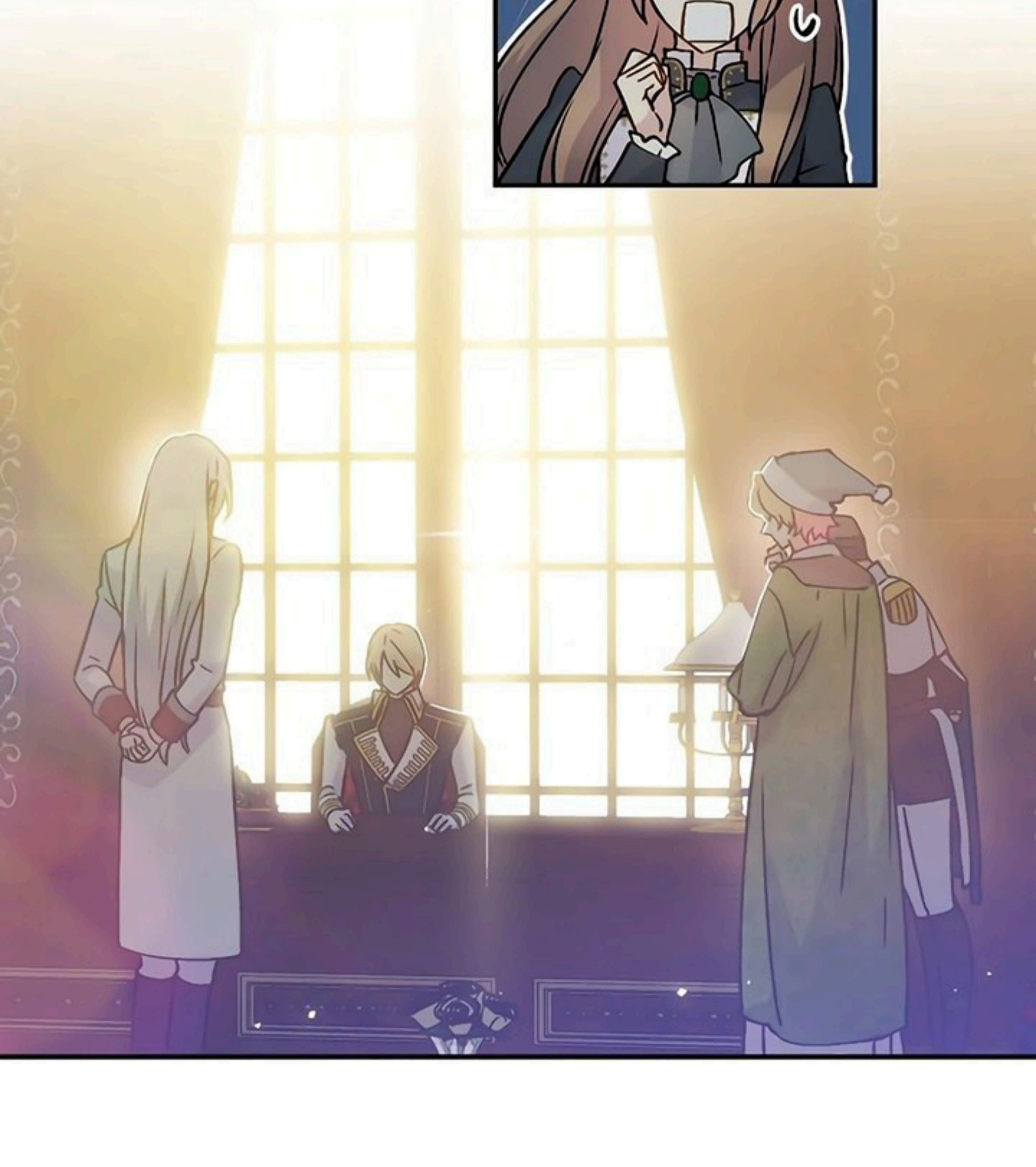


تقاً!

امكان نداره!



ج-...چی؟!



یا خدا...

اعلیحضرت؟

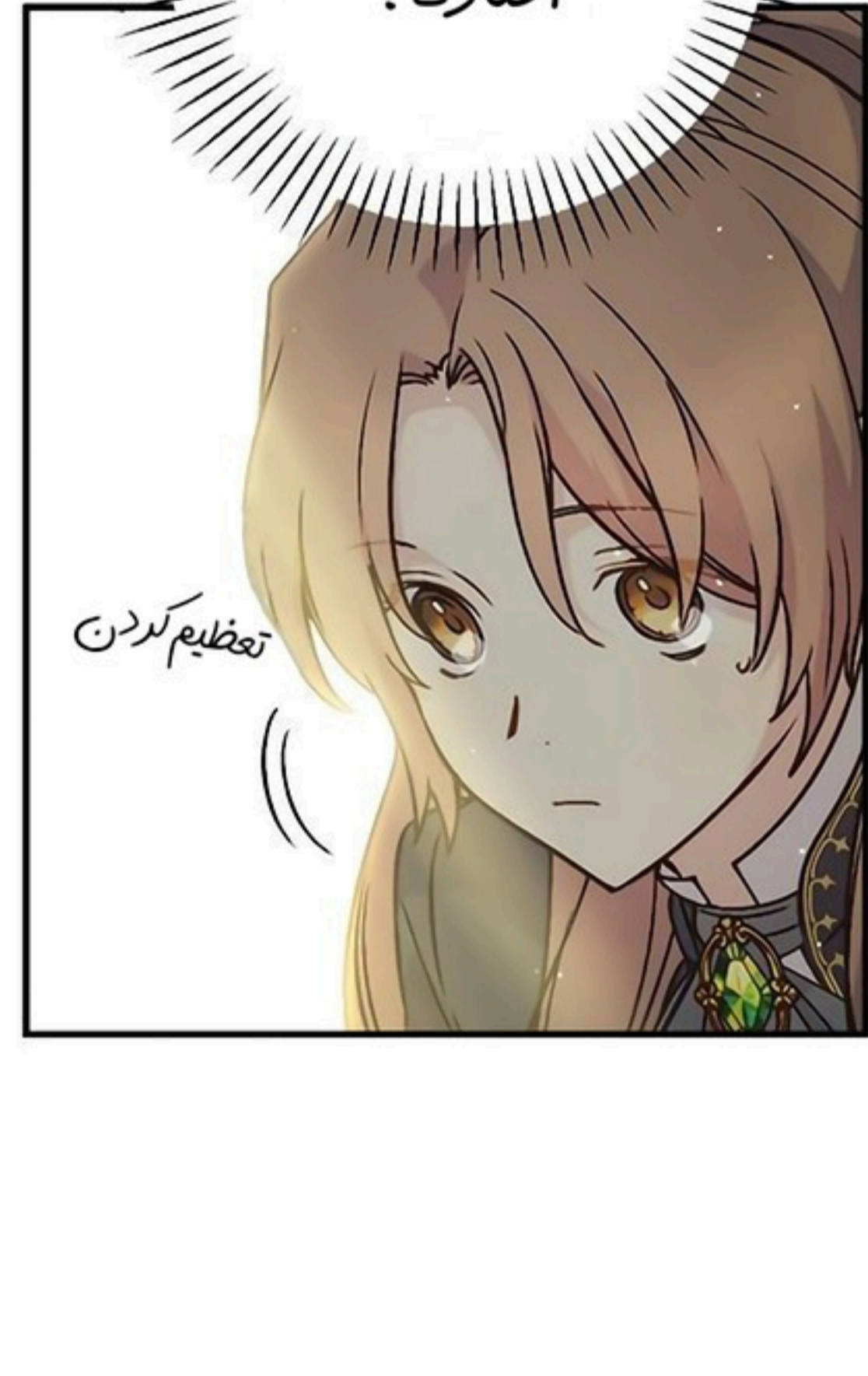
انقدر زود شروع به کار کردین...

اوه، ماری. تو اینجاایی.



آقای کمال حقان...؟

اتفاق افتاده؟



تعظیم کردن

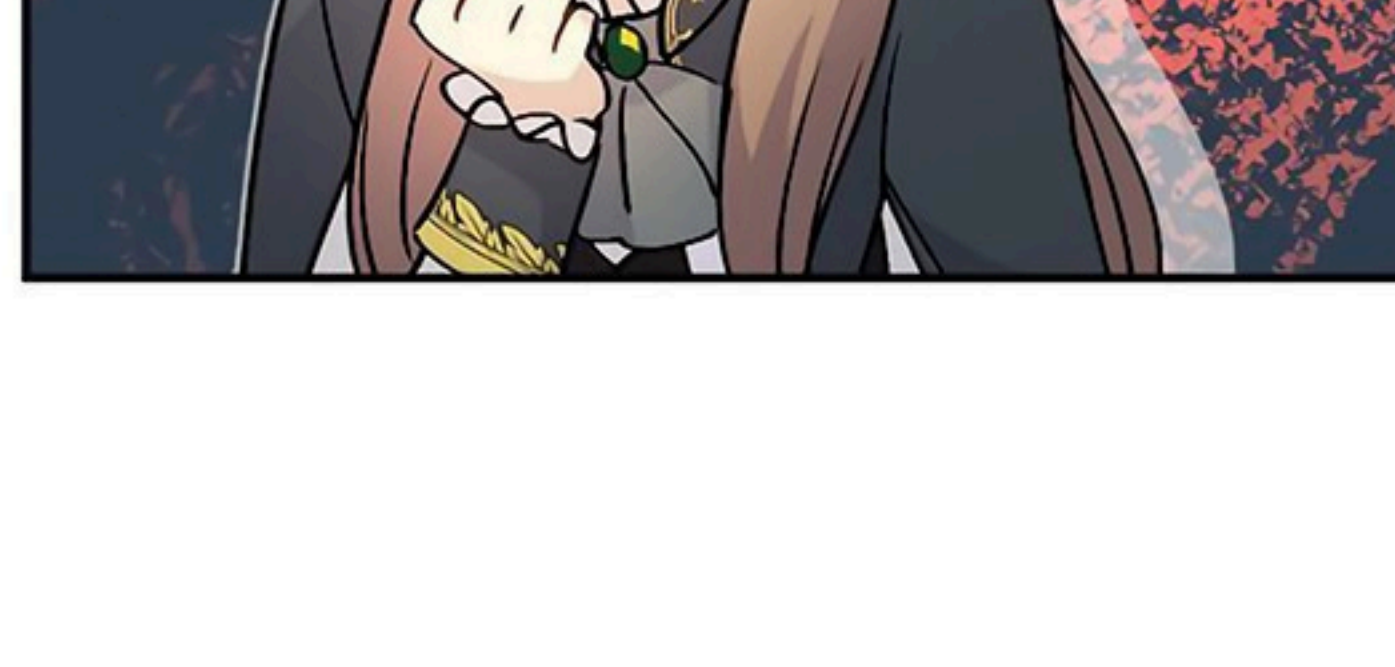


داری میگی هر چقدر زور بزنی هم نمی تونی پیداش کنی؟

بله، سرورم.

و هیچ چیز  
مشکوکیم شب  
قبل اتفاق نیفتاده،  
درسته؟

بله، من از  
نگهبان‌ها پرسیدم،  
ولی هیچکس چیزی  
ندیده بود.



این مشکل  
بزرگیه.

این‌که "جام  
مقدس" رو دزدیدن  
مثل اینکه که همه  
چیزو دزدیدن.

اوه خرابی.

جام مقدس.

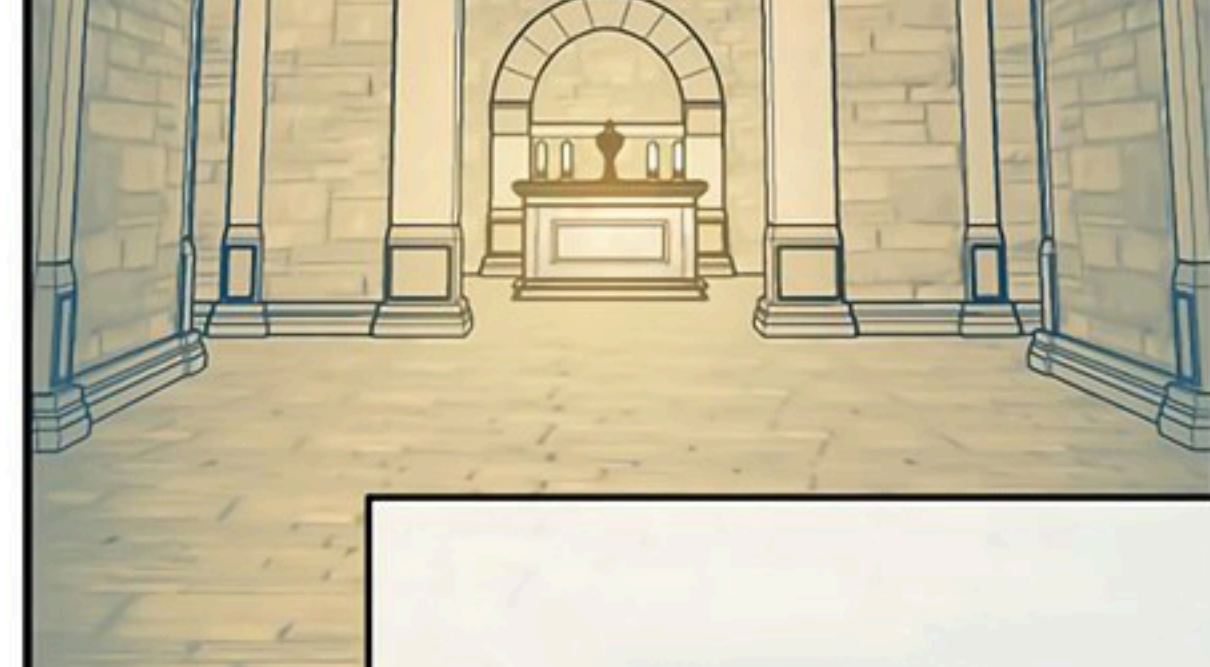


جامی که متعلق  
به ریچارد مقدس از  
پادشاهی کلویان  
بود.

\*Richart

گنجینه‌ای که برای چندین  
نسل در کاخ پادشاهی کلویان  
نگهداری می‌شد، ولی ۵۰ سال  
پیش به دلایلی به امپراتوری  
شرقی منتقل شد.

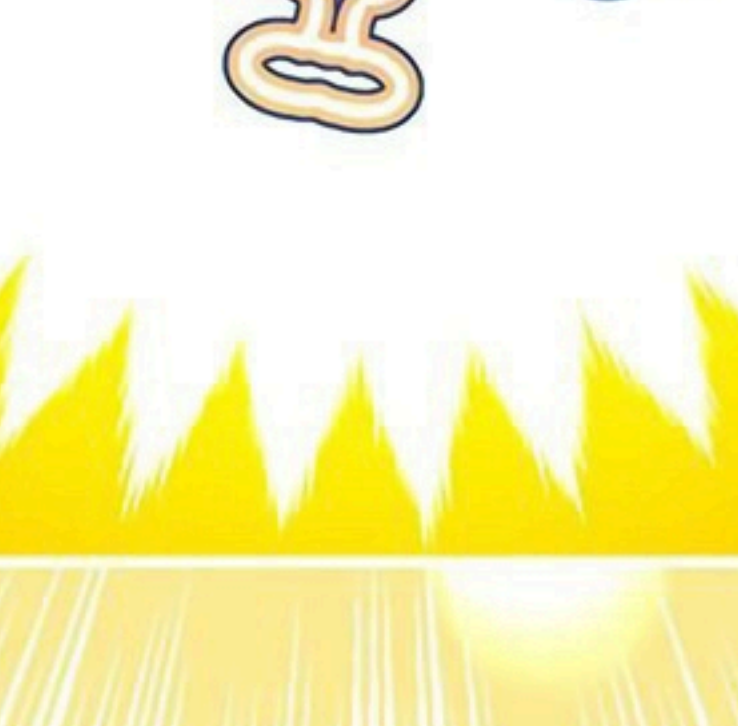
از اونجایی که  
این گنجینه به تاسیس  
پادشاهی کلویان مرتبط  
بود اهمیت خیلی خیلی  
زیادی داشت.



پس اونو به عنوان  
یک گنجینه ملی در نظر  
گرفتن و تو کلیسای جامع  
قصر امپراتورک به شدت تحت  
حفاظت قرار دادن...

اون جام مقدس

گم شده؟!



اگر خبر این  
دزدی به بیرون درز  
پیدا کنه، آشوب به  
پا می‌شه.

معذرت  
می‌خوام. همه‌ش  
تقصیر منه.

مشکلی نیست،  
کاریه که شده. الان  
پیدا کردنش برامون  
اولویت داره.

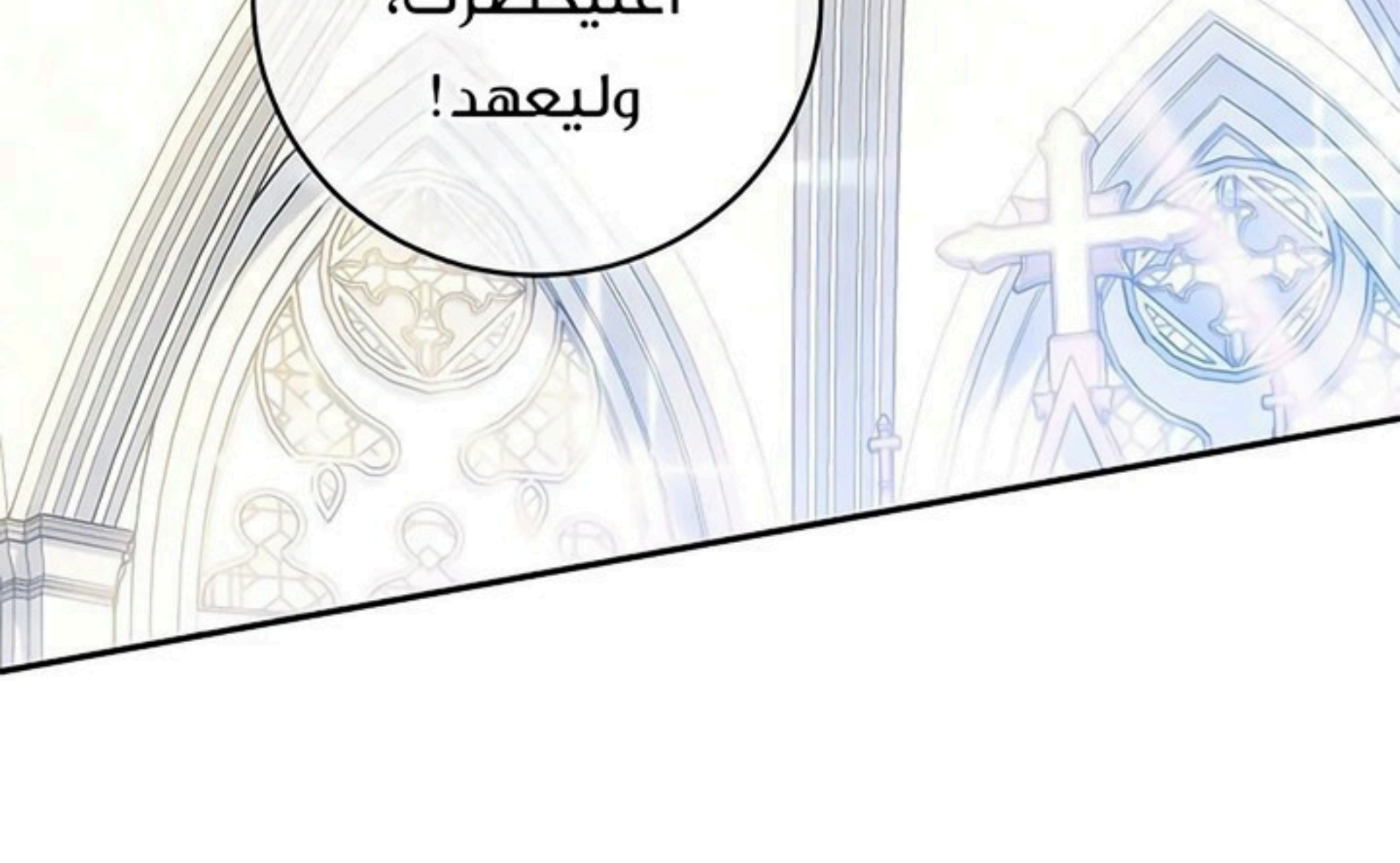
جلوی ورود  
و خروج به قصر  
گرفتی؟

بله، سرورم.  
کاملاً جلوی ورود و  
خروجو گرفتیم.

می‌خوام  
صحنه‌ی جرمو شخصاً  
بینم. می‌رم به کلیسای  
جامع.



درود بر  
اعلیحضرت،  
ولیعهد!



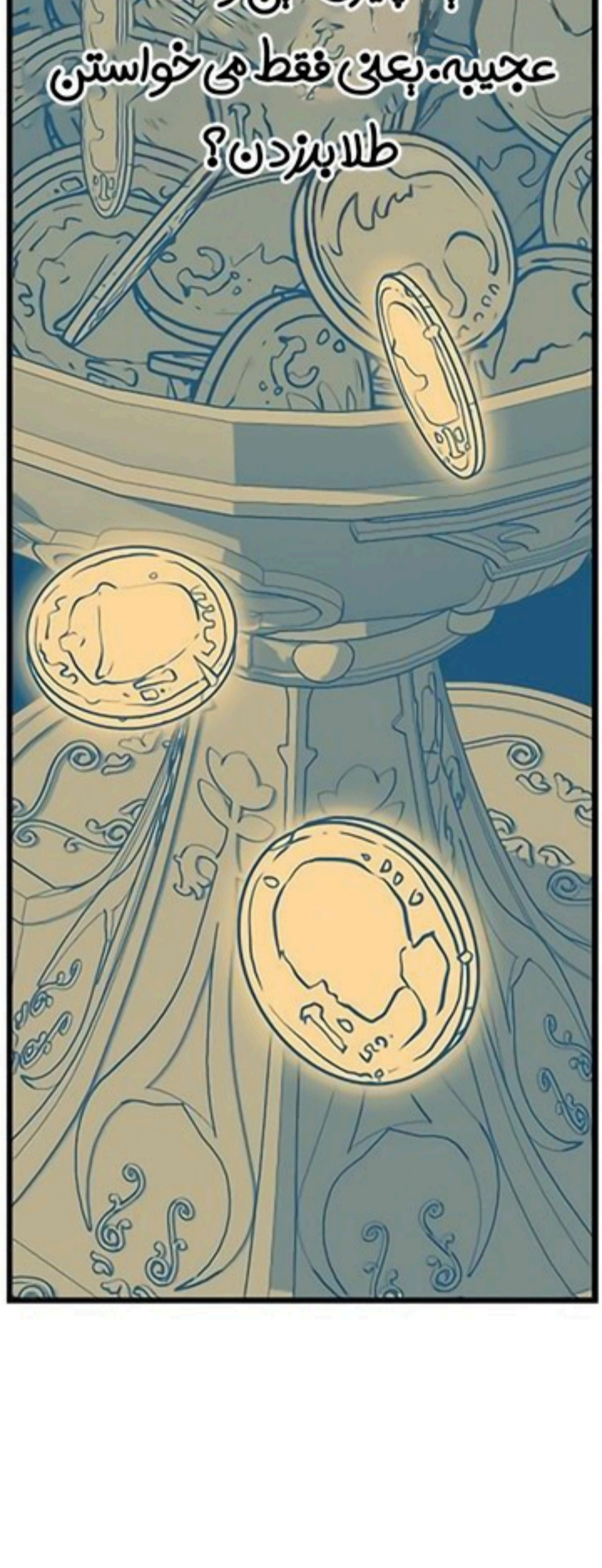


هر اتفاقی که  
افتاده رو گزارش  
بده.

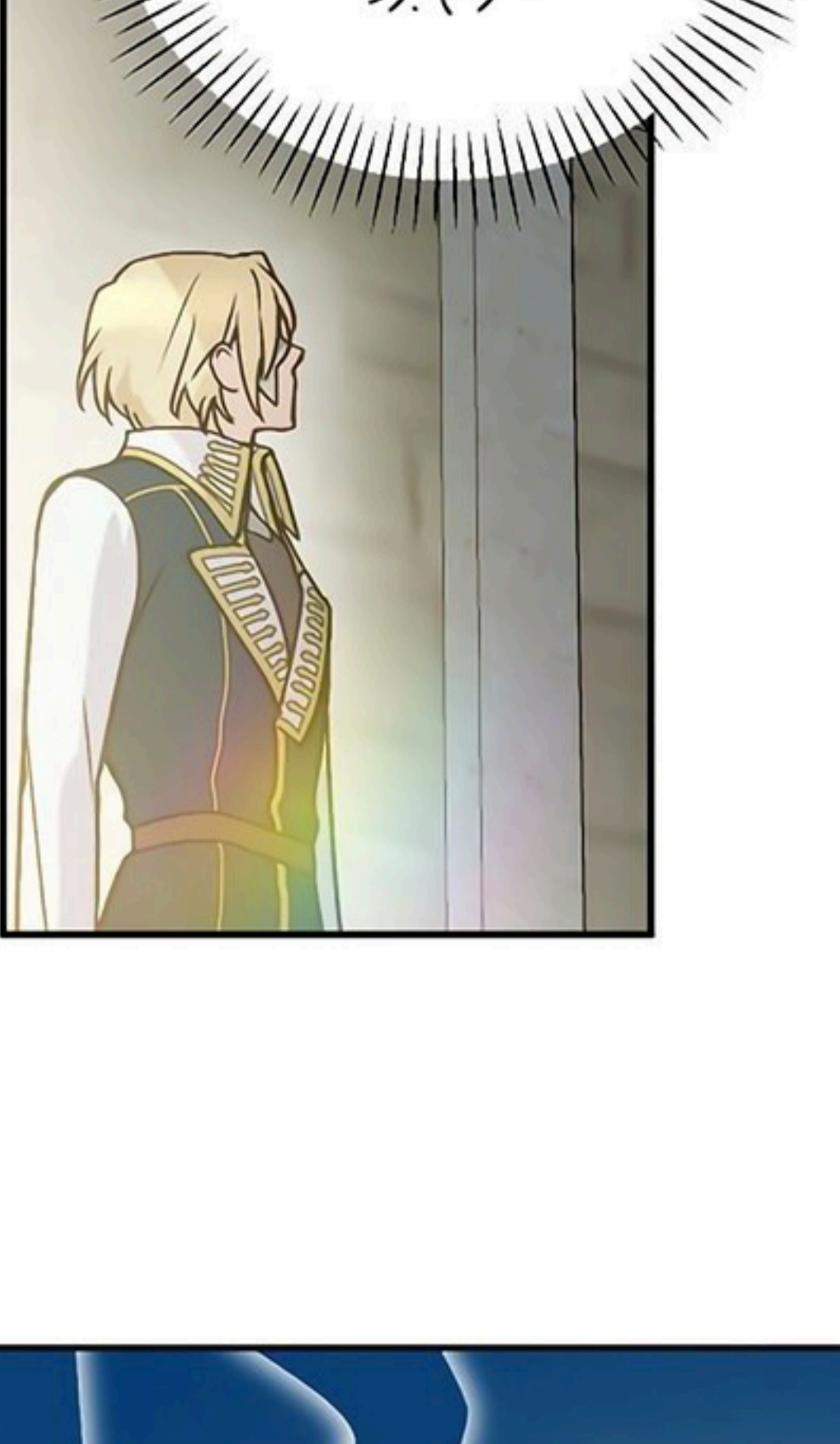
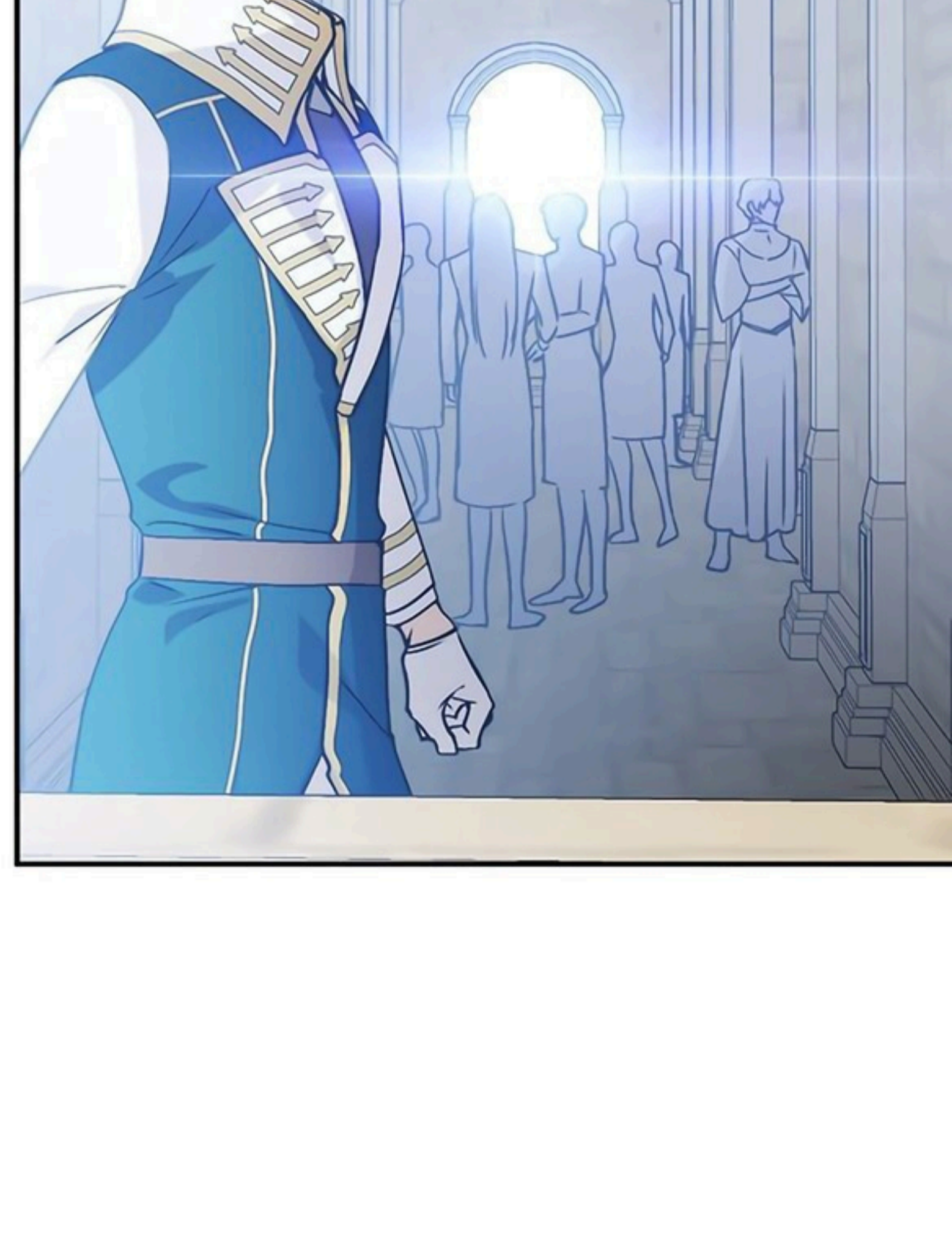


جام مقدس که تو  
کلیسای جامع نگهداری  
می‌شد، با شمعدون طلا  
و فنجون طلا ناپدید  
شده.

چند تا از  
جواهرات قیمتی  
هم غیب شدن.



به چیزی این وسط  
عجیب، یعنی فقط می‌خواستن  
طلا بزدن؟



جام مقدس تو  
به چیزی مصر و  
موم شده تو طبقاتی  
موم بود.



چه جوری تونستن  
بیان تو طیب و اونو  
ببازدن...؟



نمی‌تونیم به کسی  
که داخل کار می‌کنه،  
مثل تو بشیم... همشون  
برای عیشون عذر موجه  
دارن.



پس کی...

کسی هست  
که بهش مشکوک  
باشی، ارن؟

عذرخواهی  
می‌کنم.

مثل این می‌مونه که  
از آسمون پیداشون شده.  
مهم نیست چقدر هم تلاش  
کنم، نمی‌تونم سرخی  
پیدا کنم...



"مثل اینکه از  
آسمون پیداشون  
شده..."



ممکنه به خوابی  
که دپروز دپرم، ربط داشته  
باشه؟

...ولی چطوری؟

اندازه‌ی جام  
مقدس دزدیده  
شده چقدر  
بود؟

اندازه‌ی یه  
گلدون کوچیک  
بود.

اونقدر بزرگ  
هست که نشه همین  
طوری از قصر بردش  
بیرون.



درسته. انگار  
هنوزم تو همین  
قصره.

کاملاً ورود  
و خروج به قصر  
محدود کنید و به دقت  
تحقیق کنید که کیا  
مشکوکن.

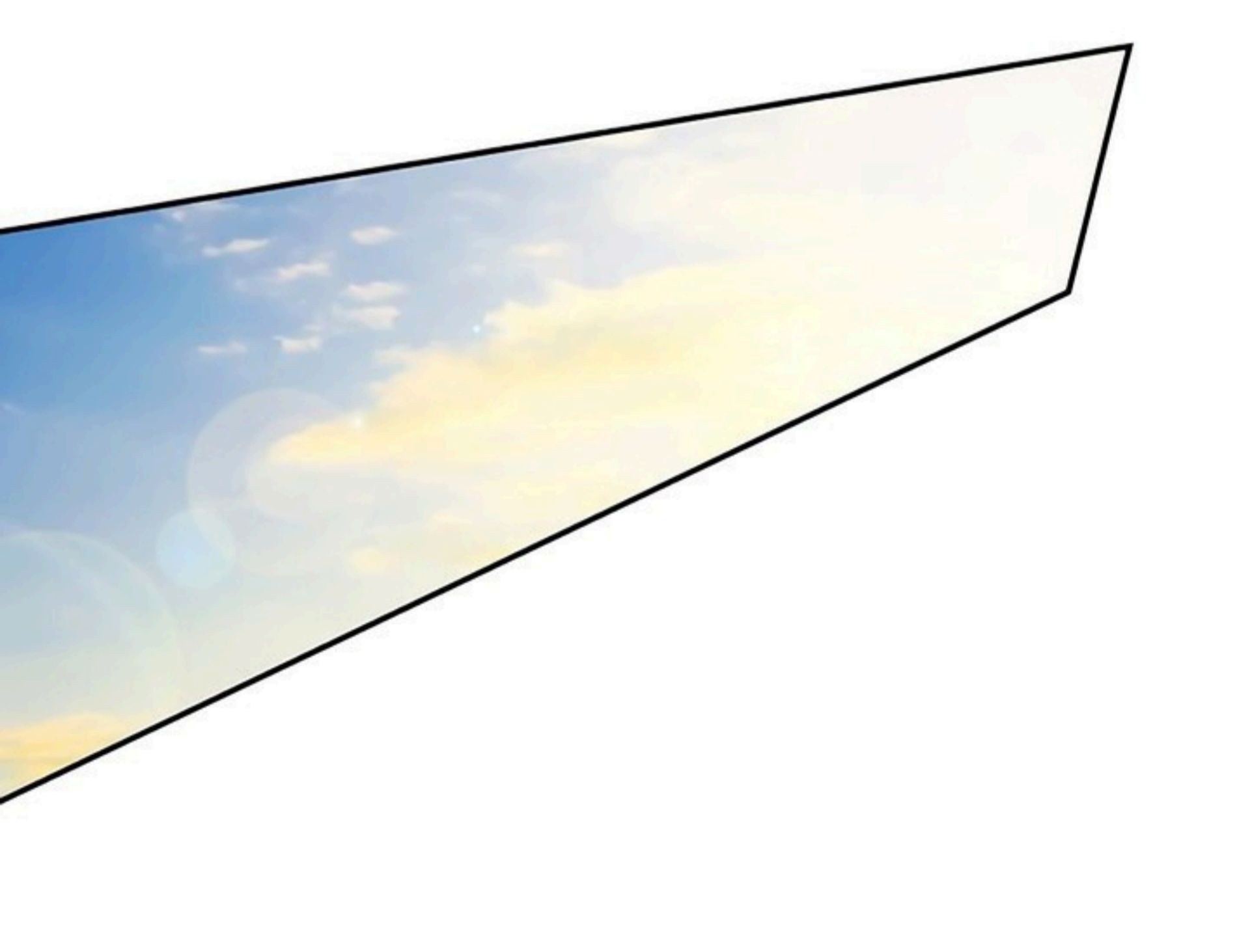
احتمالش  
خیلی زیاده که  
متهم از خودیا  
باشه.

جام مقدس  
جایی داخل قصر  
مخفی شده!

حتی اگر مجبور  
باشید تمام قصر سلطنتی  
رو بگردید، باید پیداش  
کنید!



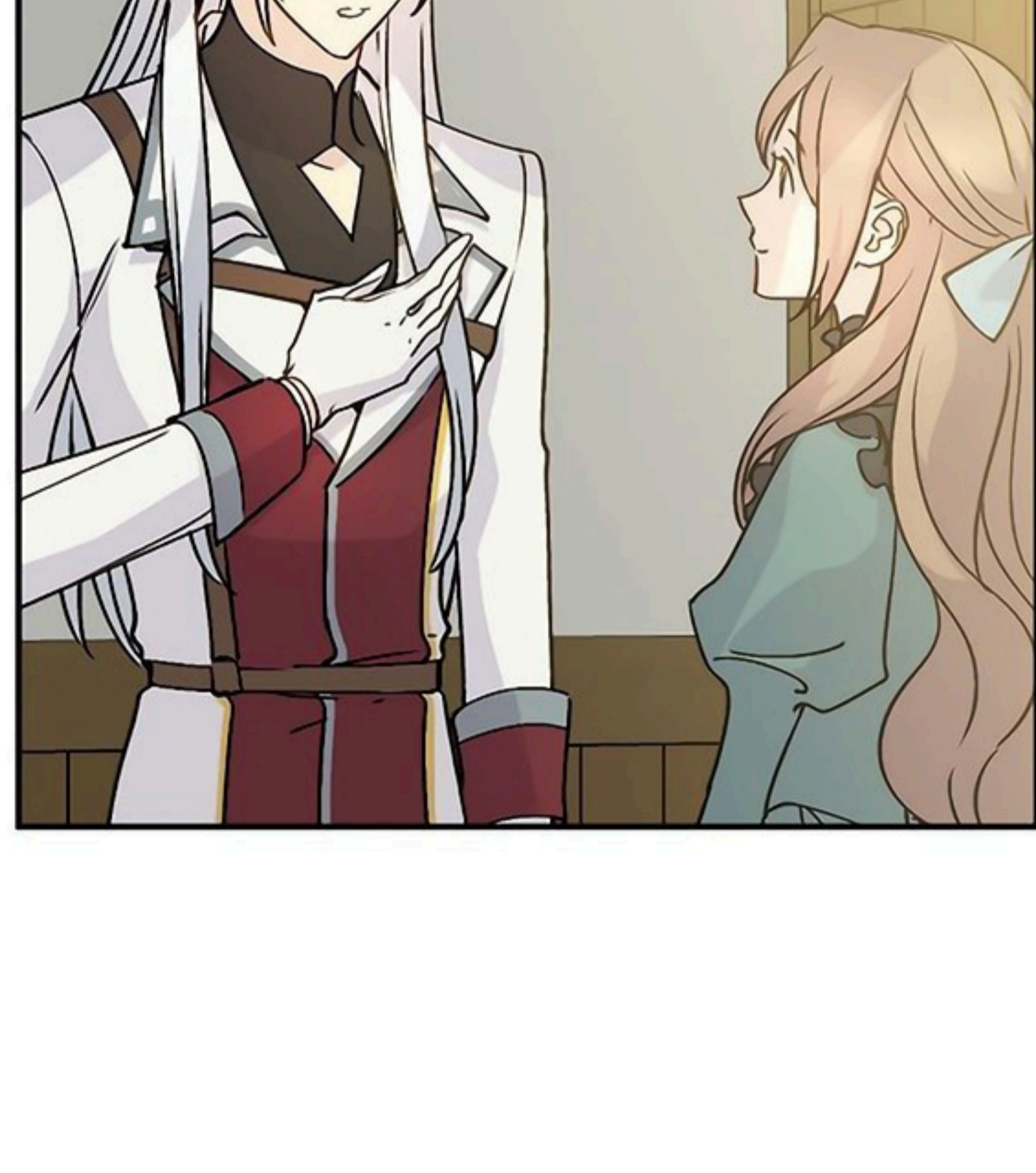
\_\_\_\_\_



به خاطر  
همین مجبور شدم  
بیام اینجا.

متاسفم،  
بانو ماری.

مشکلی نیست،  
عالیجناب.



به هر حال، رو  
همه‌ی پیشخدمتایی  
که از پادشاهی کلویان  
هستن، داره تحقیق  
می‌شه.



سریع تمومش  
می‌کنم که اذیتت  
نکنه.

نمی‌تونم  
قبول کنم که به  
خاطر دوستیمون با من  
ویژه رفتار کنید.

لطفاً مثل  
همه‌ی اتاقای دیگه  
اینجا رو هم چک  
کنید!



متوجه شدم.  
به خاطر گستاخیم  
منو ببخشید.

تا جایی که  
می‌تونید دقیق  
بگردید.

چشم،  
قربان!

باز کردن

خیلی دارید  
سختی می‌کشید.

نه، مشکلی نیست.  
به هر حال، می‌خوایم به یه  
نتیجه‌ای برسیم، ولی نمی‌تونیم  
هیچی پیدا کنیم. این واقعا  
مشکل بزرگیه.

اگر نتونیم  
جام مقدس رو  
پیدا کنیم...

باید به سرزخی  
توی کلیسای  
جامع پیدا کنم.

اون که روح یا  
کسی که از آسمون  
افتاده باشن،  
نیتن.

چه توزمین،

چه توآسمون،  
نایدید می‌شیم.

چطوری جام  
مقدسو درزیدن...

دقیقا چطوری؟

قربان!

بانو ماری.

متاسفم، ولی باید سریع به قصر جائون برگردم.

\*Jaoon

اوه، بله. مشکلی نیست.

پس، بعداً می بینمتون...

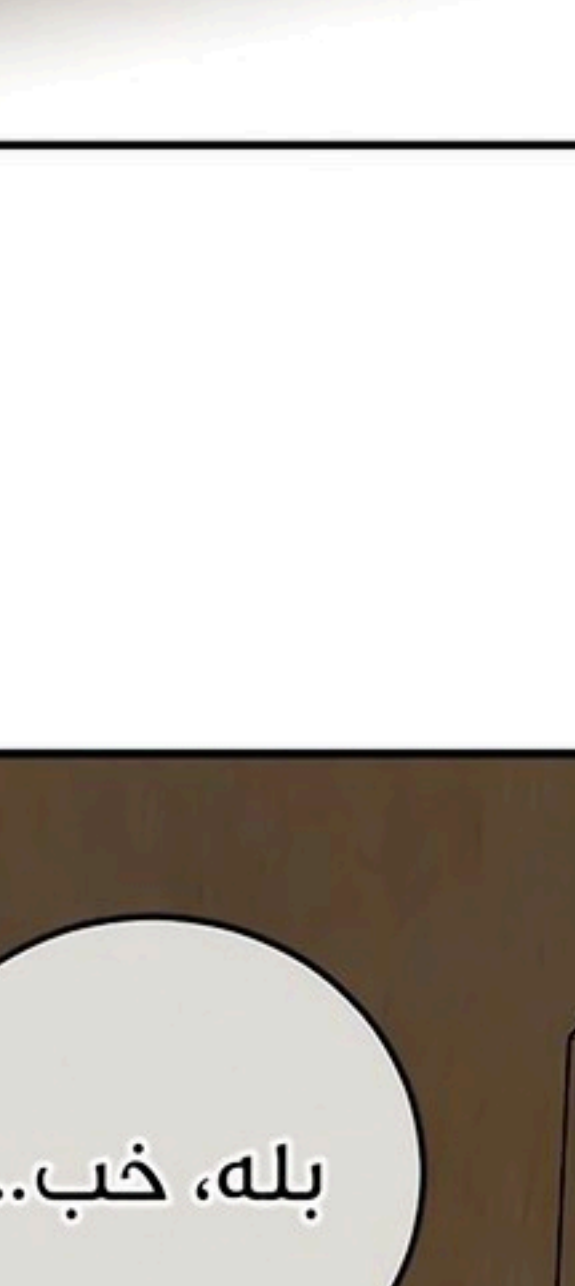


بانو هیلدرون، به خاطر این بی ادبی عذرخواهی می کنم، ولی می توانیم داخل کمدتون رو هم بگردیم؟



بله، البته.

این جعبه چیه؟



چی؟

این ریشه چیه...؟

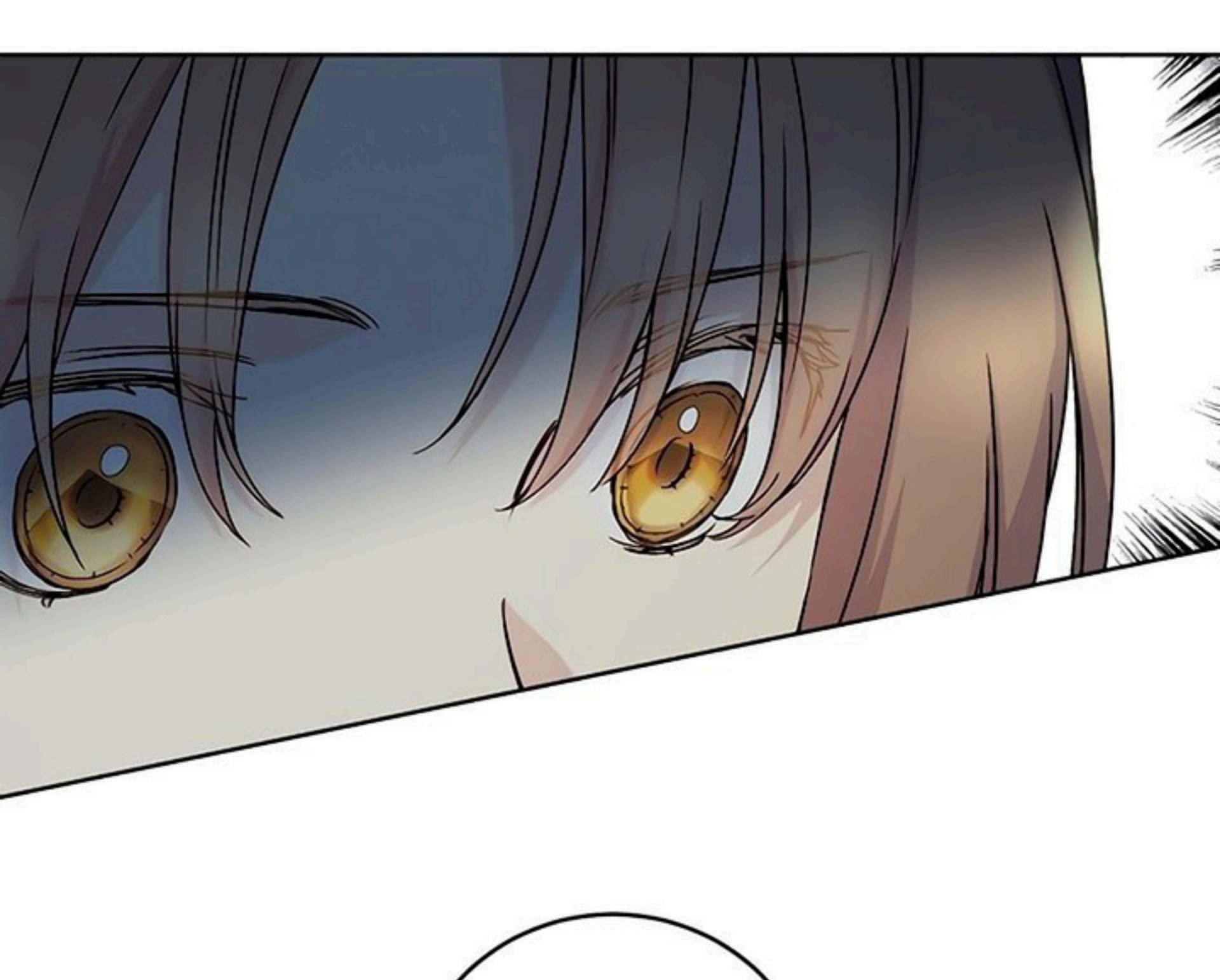
تا حالا ندیده بودمش؟!؟

می توانم برش دارم و داخلش رو نگاه کنم؟



بله، خب...

چرا... انقدر حس بدی دارم؟



این...!



... این اینجا  
چیکار می‌کنه؟!



... بانو  
هیلدرون؟



این په‌تله‌س؟!

من... من...!

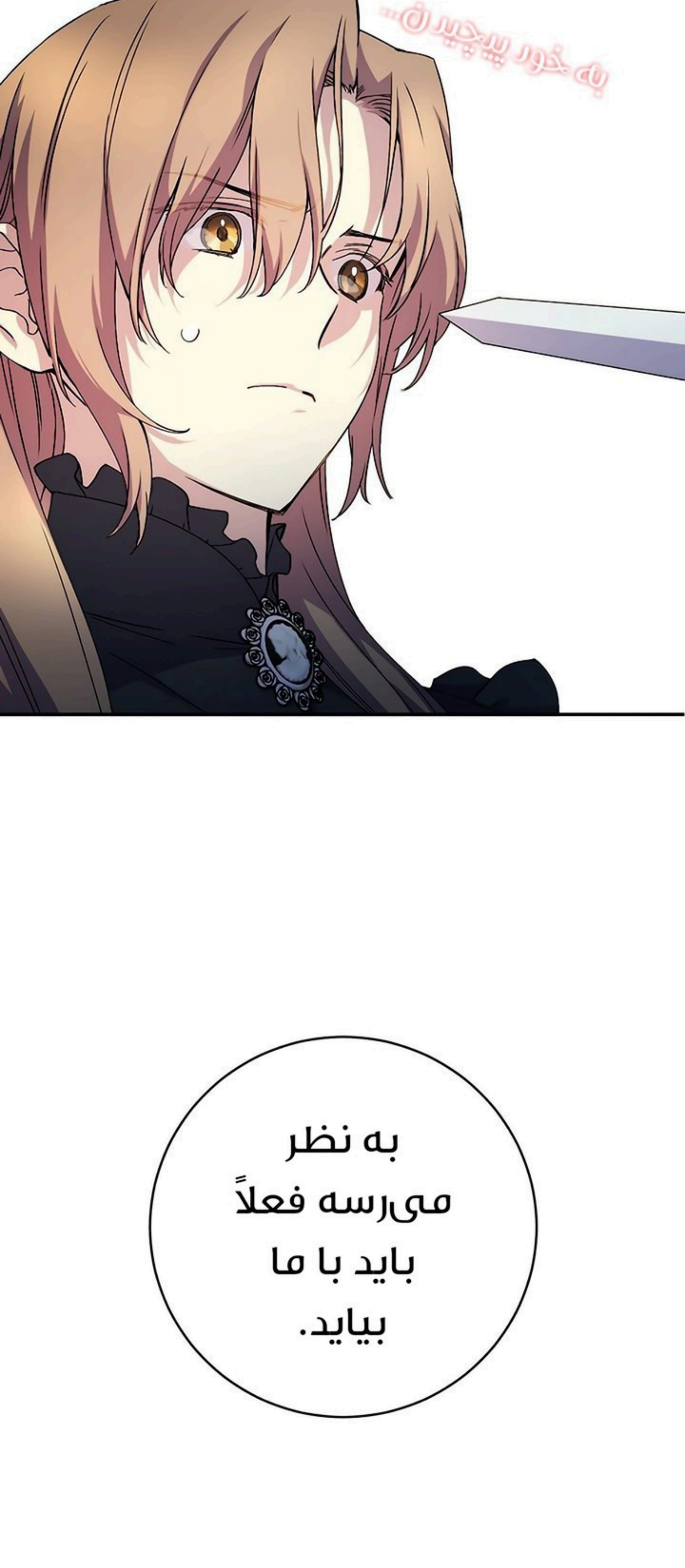


این برای ما  
هم گیج‌کننده‌س،  
ولی...

بیرون کشیدن



!!!



به‌خورد پیچیدن...

به نظر  
می‌رسه فعلاً  
باید با ما  
بیاید.

